

شاهزاده گمشده القاعده

شاهزاده گمشده القاعده

اسامه بن لادن و شبکه تروریستی القاعده با بهره‌گیری از یک سلسله بیانیه‌های ارسالی از طریق دورنگار (فکس)، نوارهای صوتی، فیلمهای تصویری و اطلاعیه‌های اینترنتی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و روابط عمومی پیچیده پیکار جدیدی را آغاز کردند. بن لادن از طریق این بیانیه‌های عمومی، چهره خود را هم به عنوان رهبر یک سلسله برنامه‌های یکپارچه ایدئولوژیک و هم فرماندهی استراتژیک طراحی کرد که قصد داشت پیامها و اعمال خشونت‌بار خود را به شرایط سیاسی ویژه و مخاطبان آن نسبت دهد. در مقاله حاضر به این پیامها پرداخته میشود.

اشغال عراق و تلاش امریکا برای دستگیری صدام، موضوع بن لادن را به فراموشی سپرد و تا مدتها خبری از ادامه اقدامات امریکا در پیدا کردن و محاکمه بن لادن نبود. حتی بسیاری اعتقاد داشته و دارند که او مامور سیاسی امریکا برای ایجاد آشوب در مناطق استراتژیک جهان و ایجاد زمینه مداخله و اشغال نظامی بوده است!

اخیرا گروه القاعده با استفاده از انواع وسائل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت، فکس، پست و . . . بیانیه‌های عمومی بن لادن را در مورد عقاید و تصمیمات عملیاتی القاعده به اطلاع مخاطبانش می‌رساند.

صرف نظر از این که تشکیلات القاعده و رهبر اصلی آن هم اکنون در کجا و چه شرایطی قرار دارند و نیز بدون توجه به این که بیانیه‌ها و حرکت‌های آنها تا چه حد کنترل شده یا خطرناک می‌باشد، این گروه افراطی و خشونت‌گرا دارای هویتی هستند که به کل جهان اسلام منتسب هستند و داعیه آنها نیز بیداری ملل مسلمان و خاتمه دادن به دخالت‌های امریکا در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد. این مساله، الزام می‌دارد که مبحث القاعده در واقع به عنوان یکی از مسائل بین‌المللی جهان اسلام مورد مطالعه جدی قرار گیرد. مقاله حاضر توسط یکی از تحلیلگران مسائل خاورمیانه‌ای امریکا، به سفارش سرویس پژوهشی کنگره امریکا (CRS) - کتابخانه کنگره - برای استفاده نمایندگان کنگره مذکور، تهیه شده است و اینک ترجمه آن جهت استفاده خوانندگان محترم ارائه می‌گردد.

در اواخر ماه اکتبر، نوار ویدیویی جدیدی از اسامه بن لادن پخش شد که باعث طرح مجدد بحث‌های عمومی حول ایدئولوژی، انگیزه‌ها و طرح‌های آینده القاعده جهت حمله به امریکا شد. لحن و متن به شدت سیاسی بیانیه‌های اخیر اسامه بن لادن (در ماه‌های آوریل و اکتبر ۲۰۰۴) این ظن و گمانه‌زنی را در برخی از تحلیلگران مسائل تروریستی تقویت کرده است که این پیامها ممکن است حامل علائمی از تلاش‌های بن لادن در قائل شدن نقش رهبری دائم سیاسی برای خودش و القاعده به عنوان پیش‌تاز یک جنبش ایدئولوژیک اسلامی و بین‌المللی باشد. استدلال دیگران این است که توان محدود القاعده در حال حاضر از یک تغییر وضعیت واضح و موقت حکایت دارد و نشان می‌دهد هدف اصلی این گروه، تداوم اجرای حملات تروریستی بر ضد امریکا و متحدانش در سراسر جهان و تاکید ویژه بر هدف قراردادن زیرساخت‌های اقتصادی و دامن زدن به ناآرامی‌های عراق و افغانستان می‌باشد. این مقاله به نحوه استفاده اسامه بن لادن از بیانیه‌های عمومی، از

اواسط دهه ۱۹۹۰ تاکنون، می‌پردازد و محتوای ایدئولوژیکی و سیاسی در حال تحول این بیانیه‌ها را تحلیل می‌کند. [۱]

پیکار رسانه‌ای القاعده

اسامه بن‌لادن و شبکه تروریستی القاعده طی ده سال گذشته با بهره‌گیری از یک‌سلسله بیانیه‌های ارسالی از طریق دورنگار (فکس)، نوارهای صوتی، فیلمهای تصویری و اطلاعیه‌های اینترنتی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و روابط عمومی پیچیده پیکار جدیدی را آغاز کرده‌اند. [۲]

تحلیلگران مسائل تروریستی بر این باورند که این پیامها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به‌لحاظ روانشناختی موجب بروز برخی واکنشها و انتقال پیامهای پیچیده سیاسی به مخاطبان جهانی و گروههای جمعیتی خاص در جهان اسلام، امریکا، اروپا و آسیا می‌شود.

بن‌لادن شخصا ابراز عقیده کرده است که به اهمیت دراختیارگرفتن قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای رسانه‌ها در جهت منافع القاعده واقف می‌باشد و هسته مرکزی رهبری القاعده این خواست را با تاسیس کمیته رسانه‌ای و ارتباطی القاعده عملی ساخته است. این کمیته عهده‌دار انتشار گزارش و صدور بیانیه در حمایت از عملیتهای القاعده است. برخی مقامات و تحلیلگران بر این عقیده‌اند که پیامهای القاعده در بردارنده علایمی است که اطلاعات و آگاهیهای لازم را جهت آمادگی برای انجام عملیتهای جدید در اختیار عوامل شبکه قرار می‌دهد. بن‌لادن از بیانیه‌های عمومی‌اش به‌عنوان منابع اصلی مهم برای افراد و گروههایی استفاده می‌کند که در صدد فهم ایدئولوژی القاعده و خواسته‌های سیاسی آن هستند. [۳]

طی ده سال گذشته، بن‌لادن از طریق این بیانیه‌های عمومی، چهره خود را هم به‌عنوان رهبر یک‌سلسله برنامه‌های یکپارچه ایدئولوژیک و هم فرماندهی استراتژیک طراحی کرده که قصد دارد پیامها و اعمال خشونت‌بار خود را به شرایط سیاسی ویژه و مخاطبان آن نسبت دهد.

اسامه بن‌لادن: بیانیه‌های سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴

اصول بنیادین

تجارب اسامه بن‌لادن به‌عنوان هماهنگ‌کننده لجستیک، مدیریت طرح و اجرا و تامین‌کننده مالی مبارزان افغان و عرب در برابر تهاجم شوروی به افغانستان طی دهه ۱۹۸۰، ظاهرا این پیش‌زمینه فکری را در او ایجاد کرده است که مسلمانان می‌توانند از طریق جنگ مسلحانه ملهم از برخی اصول منتخب اسلامی به‌شکلی موثر از خود دفاع کنند. او که طی این مدت در معرض آموزه‌های علمای محافظه‌کار اسلامگرا و مبارز قرار گرفته بود، در جهت تبیین اعتقادش مبنی بر ضرورت مقاومت مسلحانه در برابر تهاجمهای آشکار با توسل به یک اصل اسلامی مشترک و الزام‌آور به‌عنوان «جهاد دفاعی» و مطلوبیت اصلاحات سلفیهای بنیادگرای اسلامی در جوامع مسلمان، زمینه‌های مذهبی و ایدئولوژیک را برای این باور خود فراهم کرد. [۴] بن‌لادن این نظرات و دیدگاههای خود را پس از تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، و در مخالفت با اعزام نیروهای خارجی به عربستان سعودی ابراز داشت.

حضور نیروهای امریکایی و غیرمسلمان در عربستان سعودی پس از جنگ خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱ الهام‌بخش بن‌لادن در از سرگیری تعهداتش نسبت به جهاد دفاعی و حمایت از اقدامات خشونت‌آمیز نسبت به دولت عربستان و امریکا شد.

اعلام جهاد

در اوایل دهه ۱۹۹۰ بن‌لادن بر خروج نیروهای امریکایی و سایر نیروهای خارجی از عربستان سعودی به‌هرقیمت ممکن تاکید کرد. بن‌لادن آشکارا خاندان سلطنتی آل‌سعود را مورد انتقاد قرارداد و تاکید کرد دعوت آنها از نیروهای خارجی به شبه‌جزیره عربستان موجب بی‌حرمتی به

حریم مقدس و خاستگاه اسلام و خیانت به جامعه جهانی مسلمانان است. [۵] رهبران عربستان سعودی با رد سخنان و تلاشهای بن‌لادن، وی را از این کشور اخراج کردند و او نیز قهر و خشم خود را بیش‌ازپیش متوجه امریکا کرد. با سپری‌شدن دوره‌ای از تبعیدش در سودان و افغانستان، دیدگاه‌های بنیادگرا و افراطی بن‌لادن بیش‌ازپیش تشدید شد و در سال ۱۹۹۶ که حاکی از ظهور وی به‌عنوان یک چهره شناخته‌شده بین‌المللی بود، لبه تیز انتقاداتش را متوجه امریکا کرد که آن را دشمنی «متحد یهودیها، مسیحیان و سایر دست‌نشانندگان» می‌دانست و رسماً علیه آن اعلام جهاد کرد. [۶] بن‌لادن با اقتباس از تمثیلهای تاریخی و مذهبی الهام‌بخش از مقاومت مسلمانان در برابر جنگ‌های صلیبی اروپائیان، ضمن محکوم‌کردن حضور نظامی امریکا در عربستان سعودی، از اعمال تحریم برضد رژیم عراق انتقاد و با حمایت امریکا از اسرائیل مخالفت کرد. [۷] همچنین در این بیانیه «قتل‌عام در تاجیکستان، برمه، کشمیر، ایالت آسام هند، فیلیپین، فطانی [تایلند]، سومالی، اریتره، چین و بوسنی‌هرزگوین» نمونه‌هایی از جنگ همه جانبه بر ضد اسلام نام برده شده که به موجب آنها امریکا (به‌رغم تلاش‌هایش در بوسنی و سومالی) مستحق مجازات شناخته شده است. [۸]

برخورد تمدنها

در پی اعلام جهاد بن‌لادن بر ضد امریکا، او دست به انتشار یک سلسله بیانیه زد که به بسط و گسترش دیدگاه‌ها و توسعه حوزه جنگ خودخوانده او با امریکا می‌پرداخت و به‌طور مشخص نسخه سیاسی را که وی جهت انجام اصلاحات در جوامع اسلامی تجویز کرده بود، توضیح می‌داد. با انعکاس نظریه ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington) مبنی بر قریب‌الوقوع بودن برخورد تمدنها [۹]، بن‌لادن شخصیت‌پردازی‌های او را با عنوان به‌اصطلاح «جنگ صلیبی جدید به رهبری امریکا علیه جوامع مسلمان» تکرار کرد و بر این باور خود تاکید کرد که بروز نزاع میان اسلام و غرب به منزله جنگ «میان جهان اسلام و امریکا و متحدانش» خواهد بود. [۱۰] استدلال بن‌لادن این است که جهان اسلام باید در قواره یک جامعه بی‌شکاف ظاهر شود و مسلمانان نیز ملزم به اتحاد و دفاع از خود هستند. بن‌لادن با تمرکز بر سیاست‌های داخلی جهان اسلام، از مسلمانان می‌خواهد که به منظور حفظ اتحاد و تاسیس نظام «خدمت صالح» ای که بر مبنای قوانین اسلامی و پیروی از اصول اسلامی در حوزه‌های مالی و اجتماعی حکومت کند، برای خود رهبری را برگزینند. [۱۱] بن‌لادن همواره افغانستان تحت حاکمیت طالبان را الگویی از یک دولت اسلامی می‌دانست و با بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی درصدد بود حمایت‌ها را به سوی طالبان [۱۲] و القاعده [۱۳] معطوف سازد.

به‌رغم اینکه بن‌لادن فاقد صلاحیت و اعتبار لازم برای صدور فتوا بود، در سال ۱۹۹۸ با این ادعا که امریکا «آشکارا بر ضد خدا، پیامبر خدا و مسلمانان» وارد جنگ شده، علیه امریکا فتوا صادر کرد. [۱۴] این فتوا با استفاده از اصل جهاد دفاعی، استدلال می‌کند که تهاجم امریکا زمینه‌ساز شکلگیری مقاومت مسلحانه است و هدف قرارداد غیرنظامیان و نظامیان امریکایی بر تمام مسلمانان امری واجب می‌دانست. در این بیانیه همچنین به شکلگیری «جبهه اسلامی جهانی برای جهاد با یهودیان و صلیبیون» و یا تشکیل یک جبهه متحد با ائتلاف بن‌لادن و شماری از گروه‌های مبارز اسلامی منطقه از قبیل جهاد اسلامی مصر و جماعت‌العلمای پاکستان، اشاره شده بود. در پی بمب‌گذاری‌های القاعده در سفارتخانه‌های امریکا در کنیا، تانزانیا (۱۹۹۸) و حمله به ناو هواپیمابر یو.اس.اس.کول (U.S.S. COI) در یمن (در سال ۲۰۰۰)، بن‌لادن ضمن خودداری از پذیرش مستقیم مسئولیت این حملات اعلام کرد که این حملات مورد تایید وی بوده و او با عاملان این عملیات هم‌عقیده است. بن‌لادن با تهدید به حملات مشابه علیه امریکا، اعلام کرد که امریکایی‌ها و جهانیان باید بدانند این حملات کیفر سیاست‌های غلط امریکا است. او قربانیان این

«قتل عام» را با شهروندان فلسطینی در موارد مختلف و بسیاری دیگر از مسلمانان و به‌ویژه اعراب مقایسه کرد. [۱۵]

القاعده پس از حملات یازدهم سپتامبر:

تهدیدات دیرینه بن‌لادن مبنی بر حمله مستقیم علیه امریکا در یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱م به ثمر نشست؛ هرچند او پیش از اکتبر ۲۰۰۴ نیز با انتشار چند بیانیه به‌طورتلویحی به مسئولیت القاعده در حمله به شهرهای نیویورک و واشنگتن اشاره کرده بود. بن‌لادن براساس یک الگوی ازپیش‌تعیین‌شده، به حمایتش از هواپیماربایان اعتراف کرد و ادعای خود را مبنی‌براین‌که ضربه‌زدن به اهداف امریکایی از دید مسلمانان و امریکایی‌ها باید به مثابه پاسخی با انگیزه‌های دفاعی به تهاجمات امریکا تلقی شود، مجدداً تکرار کرد. بیانیه‌های منتسب به بن‌لادن وعده حملات بیشتر به امریکا را می‌دهد و با این استدلال که جامعه امریکا به لحاظ اخلاقی دچار فساد شده و شهروندان امریکایی باید مسئولیت سیاست‌هایی را که دولت منتخب دموکراتشان به اجرا درآورده است به عهده بگیرند، درصدد است هدف‌قراردادن غیرنظامیان امریکایی را توجیه کند. [۱۶]

در واکنش به پاسخ متعاقب امریکا به حملات مذکور، بن‌لادن تهاجم امریکا به افغانستان و عراق را یک «جنگ صلیبی» جدید دانست و با برجسته‌کردن ضربات اقتصادی قابل‌ملاحظه و هزینه‌های پاسخ نظامی امریکا، آنها را نشانه کارآمدی اقدامات القاعده قلمداد کرد. هم بن‌لادن و هم معاونش، ایمن‌الظواهری، ملتها و دولتهای جهان اسلام را به‌خاطر کوتاهی در پاسخگویی به فراخوان آنها مبنی بر مسلح‌شدن و نیز به خاطر همکاری‌شان با امریکا و متحدانش در جنگ بر ضد تروریسم مورد نکوهش قرار دادند. این انتقادات با فراخوان مجدد آنها در دعوت به «مقاومت» مسلحانه بر ضد امریکا و متحدانش همراه بود. بن‌لادن دولتها و شهروندان اروپایی و امریکایی را مستقیماً مورد خطاب قرار داد و از آنها خواست تا حمایت از سیاست‌های فعلی‌شان در جهان اسلام را متوقف کنند. در آوریل ۲۰۰۴، بن‌لادن به اروپاییها پیشنهاد کرد که در صورت قطع حمایتشان از امریکا و خاتمه‌دادن به حضور نظامی در عراق و افغانستان، حاضر است با آنها «آتش‌بس» کند. این پیشنهاد قاطعانه از سوی رهبران و شهروندان اروپایی رد شد. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری امریکا در اکتبر ۲۰۰۴، بن‌لادن بیانیه مشابهی صادر کرد که در آن امریکاییها را به ارزیابی مجدد سیاست‌هایشان در قبال جهان اسلام فراخوانده و امریکا را به خونریزی و ورشکستگی تهدید کرده بود.

پیامدهای دگرگونی در ایدئولوژی و استراتژی القاعده

مخاطبان القاعده

کارشناسان معتقدند که بیانیه‌های بن‌لادن حاوی تغییر و تنوعهای حساب‌شده‌ای در لحن و محتوا است که به تناسب تنوع مخاطبان تنظیم می‌شوند. در نخستین بیانیه‌ها، بن‌لادن با اتخاذ مشی به‌ظاهر روشنفکرانه – ملی‌گرایانه، مستقیماً مردم عربستان سعودی را مورد خطاب قرار داد و برخی روشهای محوری را در پیش گرفت تا حمایت گروههای خاص جامعه عربستان را به سوی القاعده جلب کند. بن‌لادن در تازه‌ترین بیانیه‌هایش تلاش کرده است خشونت را کم‌اهمیت جلوه دهد و از خود چهره‌ای شبه سیاستمدارانه ارائه کند که مورد رضایت مخاطبان غربی است و در نظر مسلمانان میانه‌رو جذاب جلوه می‌کند. با این وجود، بنیاد و اساس بیانات مذهبی بن‌لادن همچنان بر این گفته استوار است: مسلمانان باید خود را امت واحد بدانند و در برابر تهاجمات ضداسلامی، بر مبنای اصل الزام‌آور جهاد دفاعی با یکدیگر متحد شوند. طبیعتاً بن‌لادن اغلب اعتقادش را به «وحدت اسلام» از لحاظ معنایی با تاکید چندباره بر الفاظ ضدیهود، محکومیت اسرائیل و متهم‌ساختن امریکا به مشارکت در ایجاد مزاحمت برای مسلمانان جهان

همراه می‌کند. در بسیاری از بیانیه‌های پیش از حادثه یازدهم سپتامبر، بن‌لادن تلاش می‌کرد حمایت‌های لفظی‌اش را از مسلمانان غیرعرب و به‌ویژه کسانی که در منازعات چین، بوسنی، کشمیر و فلیپین دخیل بودند گسترش دهد. در پی حملات یازدهم سپتامبر در سال ۲۰۰۱، بن‌لادن مستقیماً به گروه‌های ملی درگیر در خطوط مقدم عملیات‌های ضدتروریستی آمریکا به‌ویژه ملت‌های عربستان سعودی، پاکستان، عراق و مناطق فلسطینی متوسل شده است. بیانیه‌های بن‌لادن همچنین در چندین مورد افکار عمومی آمریکا را مخاطب قرار داده و این بیانیه‌ها درواقع تلاش برای توضیح انگیزه‌ها و ترسیم اقداماتی است که او و پیروانش معتقدند آمریکا باید برای پرهیز از مواجهه با حملات آینده القاعده، آنها را مدنظر داشته باشد.

ناجی واقعگرا؟

هرچند بیانات ایدئولوژیک بن‌لادن نسبتاً ثابت باقی مانده، رهبر القاعده در طی این سال‌ها در سطوح مختلفی بر روی اهداف استراتژیک و تاکتیکی خاصی در بیانیه‌ها تأکید کرده است. بن‌لادن خواسته‌های خاص سیاسی‌ای را ترسیم نموده که تصویر و چهره القاعده را به‌عنوان بازیگر سیاسی عملگرا و انعطاف‌پذیر نشان می‌دهد. بااین‌وجود نگاهی به آمار عملیاتی القاعده نشان می‌دهد که تعهد رهبران این شبکه به یک‌سلسله آرمان‌های خاص ملی و اهداف استراتژیک، ابزارهای بدیعی هستند که برای ایجاد انگیزه در حمایت از برنامه‌های گسترده‌تر ایدئولوژیک در مواجهه با غرب و اصلاحات بنیادگرایانه در جهان اسلام طراحی شده‌اند. به‌عنوان مثال رفتار روشن بن‌لادن نسبت به حضور نیروهای آمریکایی در عربستان سعودی طی دهه ۱۹۹۰، با تداوم عملیات تروریستی در آن کشور در پی خروج تقریباً کامل نیروهای نظامی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۳ ناهمخوانی دارد؛ [۱۷] گرچه کمتر از ۲۵۰ پرسنل نظامی آمریکا در عربستان سعودی باقی مانده است اما اعضاء القاعده همچنان برای سرنگونی دولت سعودی به نبردهای خشونت‌بار ادامه می‌دهند و در بسیاری از حملات تروریستی شمار زیادی از غیرنظامیان آمریکایی را هدف قرار داده‌اند. در موردی مشابه، نوسان در شدت و اهمیت اظهارات ضداسرائیلی بن‌لادن این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که تعهدات بن‌لادن به آرمان فلسطین بسته به نیاز این شبکه به حمایت، دچار شدت و ضعف می‌شود؛ چنان‌که در برخی دوره‌ها با مطرح‌شدن بیشتر، این شبکه گاه موجب بیزاری حامیان و یا اخیراً به‌عنوان یک ایدئولوژی کاملاً جذاب ظاهر شده است. بن‌لادن شخصاً اعلام کرده است که حمایت از فلسطینیان و تمامی مسلمانان از جمله اصول آرمانی القاعده بوده و خواهد بود. آرمان القاعده بسیج سراسر جهان اسلام برای درک ضرورت مقاومت در برابر تهاجمات آمریکا است. [۱۸] در جهت نیل به این آرمان، بن‌لادن و معاونانش در افغانستان و عراق با طراحی عملیات‌های نظامی تحت عنوان خشم جدید و «جنگ صلیبی» درصدد توجیه تداوم حملات بر ضد آمریکا و متحدانش برآمدند.

به لحاظ تاکتیکی، همواره بن‌لادن خواستار اجرای عدالت خشونت‌بار بر ضد آمریکا به واسطه جرایمی است که آمریکا متهم به ارتکاب آنها می‌باشد. به‌عنوان مثال در جنگ عراق، بن‌لادن شورشیان اسلامگرا را به همکاری با گروه‌های سوسیالیست (حزب بعث) ترغیب نموده و همکاری اسلامگرایان و بعثی‌ها را با همکاری اعراب و ایرانیان بر ضد امپراتوری بیزانس در قرون هفتم و هشتم مقایسه کرد. [۱۹] بن‌لادن در فراخوان مسلمانان به خوداتکایی بیشتر، از جنبش‌های عربی می‌خواهد نفت را «به‌عنوان یک قدرت اقتصادی مهم برای دولت‌های اسلامی آینده» نگهدارند و از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزارهایی «بسیار موثر» یاد می‌کند. [۲۰] شعار اخیر بن‌لادن مبنی بر «خونریزی تا ورشکستگی کامل»، با الگویی که وی از اثرات اقتصادی حملات تروریستی ارائه کرده، تناسب دارد و می‌تواند حاکی از یک تغییر استراتژیک و تاکتیکی در برنامه‌های القاعده در طولانی‌ترکردن جنگ‌های فرسایشی و انجام حملات ایدئایی در حوزه‌های

اقتصادی و زیرساخت‌های حیاتی باشد. روی هم رفته، القاعده برای تطبیق بیانیه‌هایش با شرایط در حال تغییر از خود تمایلات عملگرایانه نشان داده، در حالی که همچنان به تعهدات رهایی‌بخش خود در برنامه‌های ایدئولوژیکی پایبند باقی مانده است.

القاعده و جهادگران بین‌المللی:

گرچه هدفی که بن‌لادن بر سر تحقق آن سوگند یاد کرده ایجاد حرکت، برانگیختن و بسیج امت‌های اسلامی [۲۱] تا رسیدن به نقطه شروع [۲۲] انقلاب می‌باشد، بیانیه‌های بن‌لادن و حملات القاعده آن‌گونه که باید، تاکنون نتوانسته است در بسیج مسلمانان برای حمایت از برنامه‌هایشان موثر واقع شود. با این حال نظرسنجیها و اخبار رسانه‌ها در خاورمیانه در اواخر سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع مسلمان نارضایتی چشمگیر مسلمانان از امریکا و سیاست خارجی این کشور به نحو فزاینده‌ای افزایش یافته است. با توجه به این روند، تغییر رویکرد اخیر بن‌لادن و درپیش گرفتن لحن سیاسی ملایم‌تر و تاکید بر کارآمدی نبرد اقتصادی، ممکن است از تجدید تلاش رهبری مرکزی این شبکه در گسترش میزان نفوذ جنبش، تامین مقادیر معتنا بهی اقلام حمایتی و احتمالاً شروع عملیاتهای مخرب جدید و نظام‌مندتر حکایت داشته باشد. تجربه نشان داده است رهبران القاعده بر این باورند که تلاشهای منظم برای وجهه‌بخشیدن به اقدامات القاعده تحت عنوان الزامات دفاعی و مذهبی، موجب افزایش مدارا و جلب حمایت‌های بیشتر جهت اجرای برنامه‌های ایدئولوژیک گسترده‌تر خواهد شد. تعریف اهداف سیاسی محدود و اجرای آنها موجب رفع نارضایتیها خواهد شد و ممکن است به پوشیده‌نگه داشتن وجهه ایدئولوژیک و پنهانی گروه کمک کند. در کل، بن‌لادن خود و پیروانش را پیشگام یک جنبش بین‌المللی اسلامی می‌داند که اساساً متعهد به خاتمه دادن به «دخالت» امریکا در امور کشورهای اسلامی و حمایت از تلاشهایی است که به منظور سرنگونی رژیمهای حاکم بر جوامع مسلمان و نوسازی آنها مطابق با تفاسیر بسته سلفی از اسلام و فقه اسلامی صورت می‌گیرد. بیانیه‌های عمومی او و معاونانش به احتمال زیاد همچنان به ایفای نقش در راستای حصول این اهداف ادامه خواهند داد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱]- برای آشنایی با سوابق و تاریخچه فعالیتهای القاعده به گزارش زیر مراجعه کنید:
CRS, Report RS21529, Al-Qaeda after the Iraq Conflict.
- [2]- تمامی نقل‌قولها - جز مواردی که ارجاع آنها مشخص شده - از سند سرویس پخش اطلاعات خارجی با عنوان زیر اخذ گردیده است:
"Complication of Usama Bin Ladin Statements 1994 - January 2004".
- [۳]- به عنوان مثال اسامه بن‌لادن در پیام اکتبر ۲۰۰۴ خود با اشاره به برخی مصاحبه‌های ویژه‌ای که آنها را پیش از ۱۱ سپتامبر در اختیار رسانه‌های مختلف قرار داده بود، از آنها به عنوان نشانه‌های قبلی ایدئولوژی و خواسته‌های القاعده یاد می‌کند.
- [۴]- برای مطالعه بیشتر درباره بن‌لادن و جهاد دفاعی رک:
James Turner Johnson, "Jihad and Just War", First Things, June/July 2002, PP.12-14
بن‌لادن اشخاص زیر را به عنوان متفکران اندیشه سلفی می‌شناسد: عبدالله عزام (مرشد سابق او)، شیخ احمد یاسین (بنیانگذار حماس)، عمر عبدالرحمن (متهم به بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی)، سلمان العوده و صفر الحوالی (روحانیون دگراندیش عربستان سعودی) و ابن تیمیه عالم اسلامی قرن سیزدهم که تأثیرات ایدئولوژیک چشمگیری بر وی داشتند. برای مطالعه بیشتر در مورد سلفیه رک:

- [5] – Robert Fisk, "Interview With Saudi Dissident Bin Ladin" Independent (London), July 10, 1996
- [6] – Declaration of Jihad Against the Americans Occupying the Land of the Two Holy Mosques," Al Islah (London), Sept. 2, 1996
- [7]– در آن زمان، بن‌لادن با این توضیح که «ما – به‌عنوان مسلمان – هیچ علاقه‌ای به رژیم عراق نداریم اما بر این باوریم که مردم عراق و فرزندان‌شان برادران ما هستند و آینده‌شان برای ما مهم است»، هیچ‌گونه همبستگی و همدردی با صدام حسین و رژیمش نشان نداد.
- Fisk, "Interview With Saudi Dissident Bin Ladin", Independent (London), July 10, 1996. op. cit
- [8] – "Declaration of Jihad", Al Islah (London), Sept. 2, 1996. op. cit"
- [9] – See Samuel P. Huntington, The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order, Simon and Schuster, 1998
- [10] – "Correspondent Meets With Opposition Leader Bin Ladin," Channel 4 (London)" Feb. 20, 1997
- [11] – "Pakistan Interviews Usama Bin Ladin," (Islamabad, Pakistan), Mar. 18, 1997"
- [12] – "Website Publishes Bin Ladin 'Speech'" Internet Supporters of Shariah, June 22, 2000
- [13] – "Al Jazirah Program on Bin Laden" Al Jazirah Television (Doha, Qatar), June 10, 1999
- [14] – "Text of Fatwa Urging Jihad Against Americans," Al Quds Arabi (London), Feb. 23, 1998
- فتوا بر این تصریح داشت که جهاد دفاعی «برای آزادسازی مسجدالاقصی (اورشلیم) و مسجدالحرام (مکه) از جنگ با امریکا و اسرائیل امری اجتناب‌ناپذیر است.»
- [۱۵]– بن‌لادن به‌طور خاص از صبرا و شتیلا، دیرپاسین، قانا، حبرون (جنوب مسجدالاقصی) و مناطق دیگر نام‌برد.
- "Al Jazirah Program on Bin Ladrn", Al Jazirah Television (Doha, Qatar), June 10, 1999"
- [16]– «یکی از اصول بنیادین هر نوع از مردم‌سالاری این است که مردم رهبران‌شان را انتخاب کنند و مورد تایید قرار دهند و نیز احزاب نیز در جریان اقدامات رهبران انتخاب قرار دادند . . . با انتخاب این رهبران، مردم امریکا در قبال حصر مردم فلسطین، تخریب خانه‌های آنها و قتل‌عام کودکان عراقی رضایت داده‌اند. به این دلیل مردم امریکا بی‌تقصیر نیستند. مردم امریکا عضو فعال در تمامی این جنایات محسوب می‌شوند.»
- "Statement From Shaykh Usama Bin Ladin, May God Protect Him, and Al Qaeda" Organization," Al Qal'ah (Internet), Oct. 14, 2002
- [17]– بن‌لادن در اعلام جهاد بر ضد امریکا در سپتامبر ۱۹۹۶، حضور نیروهای امریکایی در شبه‌جزیره عربستان را «یکی از بزرگترین مصائبی دانست که از زمان وفات پیامبر اسلام(ص) به بعد بر مسلمانان حادث شده است.» با این وجود، در مصاحبه دیگری بن‌لادن اشاره می‌کند که «خروج نیروهای امریکایی می‌تواند به‌عنوان «راه‌حلی برای حل بحران میان امریکا و جهان اسلام» مورد بررسی قرار گیرد.
- [۱۸] – "Full Text of Interview Held With Al – Qa'ida Leader Usama Bin Ladin on 21 oct." – 2001", Jihad Online News Network (Internet), Jan. 21, 2003

[19] - «به رغم اعتقادمان بر کافر بودن سوسیالیستها»، بن لادن همکاری با بعثی‌ها را مجاز دانست.

Usama Bin Ladin's Message to Iraq," Al-Jazirah Television, Feb. 11, 2003"

.Declaration of Jihad" Al Islah (London), September 2, 1996. Op. Cit" – [20]

Usama Bin Ladin's Message to Iraq," Al-Jazirah Television, Feb. 11, 2003. Op." – [21]
.Cit

Bin Ladin Interviewed on Jihad Against US," Al Quds Al Arabi (London), Nov." – [22]
.27, 1996